

آسیب‌شناسی پیوند نیروها در گام انتظار و راهکار اخلاقی آن

مصطفی ورمزیار^۱

مرضیه ورمزیار^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۵

چکیده

انتظار، اولین گام طرح کلی حرکت رهبران الهی است؛ جذب و تربیت نیروها، حفظ نیروها، پیوند بین نیروها، و رهبری و مدیریت نیروها، از مفاهیم کلیدی این مرحله است، پیوند بین نیروها و حفظ انسجام آنها در راستای حفظ قدرت جبهه حق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چنین پیوندی، بر محور خدا، قرآن و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام شکل می‌گیرد و در مسیر خود دچار آسیب‌های مختلف درونی و بیرونی می‌شود، این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای در جمع‌آوری مطالب و توصیفی تحلیلی در پردازش داده‌ها پس از تبیین این آسیب‌ها به درمان اخلاقی برای نجات از آنها می‌پردازد، و برای آسیب‌های درونی از قبیل توکل و انداختن بار بر دوش دیگران، ظلم و فریب برادران و حسادت، تضعیف، تحقیر و تمسخر، دلتنگی و عدم تحمل، و آسیب‌های بیرونی از قبیل، منافقان و جریان نفوذ و دشمنان، درمان‌های اخلاقی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

مهدویت، انتظار، نیروسازی، پیوند نیروها، آسیب‌شناسی منتظران.

مقدمه

حق و باطل و جبهه‌گیری در برابر هم، سابقه‌ای به قدمت خلقت انسان دارد، وقتی خداوند اراده کرد بر روی زمین خلیفه‌ای قرار دهد و همگان مأمور به اطاعت از این خلیفه شدند و

۱. سطح چهار حوزه و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)
(.mova277@yahoo.com)

۲. دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق (varmazyar14@gmail.com).

جلسه‌ای هم با حضور آدم و فرشتگان برگزار شد و نماد این اطاعت نیز سجده بر آدم قرار داده شد، شیطان ناراضی‌تی خود را از این اراده الهی اعلان کرده و از سجده بر آدم تمرد کرد و پس از رانده شدن و مطرود شدن، جنگ تمام عیاری با راه حق و بندگان خداوند آغاز کرد و سوگند خورد که در برابر این راه هدایت ایستادگی کرده و همگان را گمراه خواهد کرد (حجر: ۲۸-۴۰). از این پس راه حق و باطل از هم جدا شد ولی رویارویی جدی با هم نداشتند تا این که خداوند پیامبرانی را از میان فرزندان آدم برگزید در این زمان بود که جبهه‌گیری و عضوگیری حق و باطل فعال شد و در برابر همدیگر موضع گرفتند (بقره: ۲۱۳).

پیامبران و صالحان به عنوان رهبران جبهه حق؛ و شیطان و طواغیت به عنوان رهبران جبهه باطل، این رویارویی را مدیریت می‌کردند، هدف رهبران جبهه حق تربیت بشریت رساندن او به مرحله قرب الهی و محقق کردن هدف خلقت بوده و هست و هدف رهبران جبهه باطل نیز جلوگیری از این هدایت، و به گمراهی کشاندن انسان بوده و هست و هر کدام برای این رهبری و اهداف، برنامه دارند؛ و برای رسیدن به آن تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرند، با این تفاوت که جریان باطل برای رسیدن به هدف از هر وسیله‌ای استفاده کرده و برای خود خط قرمزی نمی‌شناسد در حالی که جریان حق بر مدار حق حرکت کرده و تنها از مسیر درست به سوی اهداف خود در حرکت است و هر جا احساس کند مسیری که انتخاب کرده اشتباه است از آن بر می‌گردد و حاضر نیست به هر قیمتی به هدف برسد.

رهبران الهی برای پیش برد جبهه حق و مقاومت در برابر باطل و تلاش برای نابودی باطل و رشد جامعه و اعتلای دین در طول تاریخ، تلاشی خستگی‌ناپذیر داشته و برای این مهم برنامه‌ریزی می‌کرده‌اند این برنامه «طرح کلی حرکت» نامیده می‌شود، «طرح» است چون برنامه‌ای از پیش تعیین شده است، «کلی» است چون کلیات این برنامه و طرح در تمامی رهبران الهی مشترک است و هر کدام توفیق پیدا کنند تمامی گام‌های طرح را خواهند پیمود اما جبهه باطل این مهلت را به بیشتر آنها نداده و بسیاری از ایشان را به شهادت رساند، این طرح کلی که در حرکت تمامی رهبران الهی دیده می‌شود دارای سه گام است:

۱. انتظار؛

۲. تقیه؛

۳. قیام و تشکیل حکومت.

اولین گام برای رسیدن به دولت آدم و قدرت یافتن جبهه حق، مقدمه‌چینی و فراهم آوردن

زمینه‌های لازم است، که ما در این جا نام «انتظار» را بر آن می‌نهیم گرچه مفهوم این واژه از جهت لغت و اصطلاح تا رسیدن به مقصود ما مقداری فاصله داشته باشد.

انتظار، از نظر لغت‌شناسان، «نظر» قدرت بینایی (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۵، ۲۱۵) و یا گرداندن چشم برای دیدن و مورد دقت و تأمل قرار دادن چیزی است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۸۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۸۱۲؛ ابن فارس زکریا، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ۴۴۴؛ طریحی، ۱۳۶۲ش: ج ۳، ۴۹۸) و اصل در این ماده به معنای دیدن عمیق و محققانه است خواه در موضوع مادی و خواه معنوی و با قوه بینایی یا بصیرت (مصطفوی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ۱۶۶) و انتظار نیز به معنای مترصد بودن حضور شخص (ابن‌أثیر، ۱۳۶۴ش: ج ۵، ۷۸) و به گفته کتاب *التحقیق* انتخاب و اختیار نظر است و مفهوم ترقب از لوازم این انتخاب نظر است و منتظر انتخاب کرده تا چشم به راه و مترصد باشد و هنگامی که شخص برای دیداری برنامه‌ریزی کرده و دنبال عمل کردن به مقتضای آن است، این مفهوم انتظار تحقق خواهد یافت (مصطفوی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ۱۶۸)، بنابراین کلام حسن مصطفوی، برنامه‌ریزی و تلاش در تحقق آن برنامه‌ها، هماهنگ با معنای انتظار است و مقصود ما از انتظار با معنای لغوی آن هماهنگ خواهد شد.

و اما «انتظار» از منظر اصطلاح مهدوی؛ صاحب *مکیال المکارم* این واژه را عبارت از حالت درونی می‌داند که از آن آمادگی برای منتظر پدید می‌آید و مقدار آمادگی را وابسته به شدت انتظار و مقدار محبت به منتظر می‌کند تا آن جا که شخص منتظر از خود بیخود شده سر از پا نشناسد و تمامی رنج‌ها را در راه انتظار تحمل نماید (اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج ۲، ۱۷۶-۱۷۷)، دیگران نیز از واژه انتظار؛ حرکت و آمادگی و تلاش در راه رسیدن به آرمان مورد انتظار را برداشت کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۵ق: ج ۱۴، ۱۹۰) و بنابراین معنای اصطلاحی انتظار نیز مقصود ما از انتظار به معنای برنامه‌ریزی و حرکت و تلاش در راستای تحقق دولت حق و غلبه آن، برآورده خواهد شد.

بنابراین واژه انتظار در طرح کلی معنایی فراتر از معنای آن در لغت و در فرهنگ مهدویت دارد و تمامی حرکت جبهه حق تا پیش از قیام و تشکیل حکومت را شامل می‌شود.

۵۹

تقیه، گام دیگر حرکت رهبران الهی است و از ریشه وقی به معنای حفظ و صیانت است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ۲۵۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۵۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۱۵، ۴۰۱-۴۰۲؛ فیومی، بی تا: ج ۲، ۶۶۹؛ فیروزآبادی، بی تا: ج ۴، ۴۰۱؛ طریحی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۴۵۳؛ مصطفوی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳، ۱۸۳-۱۸۴) و اصل در آن دفاع از چیزی به غیر آن

است (ابن فارس زکریا، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۱۳۱).

و به این معنا است که رهبر جبهه حق با سیاست تقیّه، هم جان خود و یاران را حفظ می‌کند و هم به صورت نهانی پیشرفت اهداف را پی می‌گیرد و هم در دل دشمن نفوذ کرده و آن را از درون متلاشی می‌نماید.

تقیّه به معنای حفظ جان نیروهای جبهه حق، در فرهنگ شیعی جایگاه ویژه دارد، و در طرح کلی به معنای تداوم حرکت به صورت مخفیانه و چراغ خاموش است و تا آن جا این گام پیش می‌رود که نیروهای حق را در دل باطل نفوذ داده و باطل را از درون متلاشی سازد.

قیام و تشکیل حکومت نیز به عنوان گام پایانی حکومت مورد توجه رهبران الهی است، و معمولاً در این مرحله و یا به خاطر واهمه از این مرحله است که باطل وجود رهبران الهی را تاب نیاورده و جلوی حرکت ایشان را گرفته و آنها را به شهادت می‌رساند.

در مرحله و گام انتظار؛ مفاهیم کلیدی مانند جذب و تربیت نیروها، حفظ نیروها، پیوند بین نیروها، و رهبری و مدیریت نیروها، قابل بررسی است.

پیوند بین نیروها و حفظ انسجام آنها در راستای حفظ قدرت جبهه حق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چنین پیوندی با انواعی که دارد، بر مدار ولایت است و ولی خدا به عنوان رهبر جبهه حق این جمع را مدیریت کرده و از آسیب‌ها نگهداری می‌نماید.

نقش و اهمیت یاران جبهه حق و پیوند آنها

جمعی که افراد آن بر یک محور مجتمع نشوند، قدرتی را تشکیل نخواهند داد؛ و کار مهمی را به سرانجام نخواهند رساند؛ در جمع‌های دنیایی، محوریت بر دنیا و خواهش‌های آن است یکی برای قدرت و مقام در این جمعیت وارد شده، دیگری به طمع پول و ثروت و آن دیگر برای برآورده کردن خواسته شکم و شهوت، و بسیاری نیز برای نیاز آب و نان؛ البته پیوندهای نسبی، نژادی و جغرافیایی نیز در زمره پیوندهای دنیایی‌اند و بازگشت خواسته تمامی آنها به امور زندگی دنیاست.

وقتی هدف انسان در محدوده همین عمر چند ساله زندگی دنیا خلاصه شود، چنین جمع‌هایی، قدرتی تشکیل داده و او را به هدف خواهند رساند؛ و اگر چنین جمعی با یک جمع دینی بدون معیار و هدف مقایسه شود، از جهت رسیدن به مقصد بر آن برتری خواهد داشت،

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در مقایسه این دو می‌فرماید:

ای گروهی که بدن هاتان این جاست اما عقل هاتان جای دیگر است، خواهش های شما رنگارنگ است و امیران شما به شما گرفتارند صاحب شما (اشاره به خود حضرت) خدا را اطاعت می کند و شما او را نافرمانی می کنید و صاحب اهل شام (معاویه) خدا را نافرمانی می کند در حالی که طرفدارانش از او اطاعت می کنند؛ دوست داشتم به خدا قسم که معاویه با من معامله درهم و دینار کند و ده تا از شما را بگیرد و یک نفر از آنها را به من بدهد (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۱۴۲).

آری جمعی که به خیال خود دور حق گرد آمده اند اما فکر و ذهن و آرزوی شان جای دیگری است نه تنها به حق قدرت نمی بخشند بلکه آن را سست کرده و آسیب پذیر خواهند ساخت. در حالی که در جمع یاران حق در جبهه حق و با نبرد دائمی بین حق و باطل، هدف بسیار بالاتر و فراتر از زندگی چند روزه دنیا است و هدف غلبه نهایی حق بر باطل و جریان حاکمیت الله بر روی زمین و از بین بردن طاغوتها و فتنه گرها و فراگیر کردن عبودیت خداست، همان گونه که خداوند فرمان آن را داده است (أنفال: ۳۹) و چنین جمعی با این هدف والا، بایستی پیوندی ناگسستنی با هم داشته تا قدرتی در خور راه حق تشکیل دهند.

اهمیت یاران برای دست یابی به اهداف آن قدر مهم است که همیشه رهبران الهی از نبود یار پا به کار، گلایه داشتند و حتی جمعی حدود بیست نفر را برای شروع حرکت کافی می دانستند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۴۳؛ خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۳) البته یارانی که محکم بوده و تشکیل هسته اولیه قدرت را بدهند نه سیاهی لشکر و افراد سست عنصر. در روایات بر این پیوند مقدس بین یاران جبهه حق تأکید شده و علاوه بر جذب و جمع نیرو، به پیوند مستحکم بین نیروها با عبارت (أَكْثَرُوا مِنْ مُؤَاخَاةِ الْمُؤْمِنِينَ) سفارش کرده اند (ابن بابویه، ۱۴۰۲ق: ۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ۱۷).^۱

محور پیوند دینی و پیوند نیروها

پیوند بین نیروهای جبهه حق، زیرمجموعه پیوند دینی است، و پیوند براساس دین و باور، متفاوت از سایر پیوندهاست، زیرا گرچه پیوندها به طور مجموع، براساس محبت ها، و هوس ها و یا نیازها و خواسته هاست؛ و پیوند دینی هم از این امر مستثنی نیست، اما محبت ها و نیازها در

^۱ . قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ اسْتَكْبَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً وَقَالَ اسْتَكْبَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً وَقَالَ أَكْثَرُوا مِنْ مُؤَاخَاةِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ يَدًا يُكَافئُهُمْ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

پیوند دینی جهت مقدس به خود می‌گیرد و بر محور مقدسات؛ یعنی خدا، به عنوان مقصد اصلی تقرب، قرآن به عنوان برنامه مدون زندگی که از جانب خدا برای بشر فرستاده شده و معصومین علیهم‌السلام به عنوان الگوهای عملی زندگی؛ شکل می‌گیرد.

پیوند اگر براساس محبت خدا و دین باشد، محبت‌های دیگر رنگ می‌بازد، و مظاهر دنیا جلوه‌گری نخواهد کرد، و این محبت از لوازم ایمان است چرا که «آنان که ایمان آوردند، محبت شدیدتری به خدا دارند» (بقره: ۱۶۵) و این محبت قابل مقایسه با سایر محبت‌ها نیست، گرچه غیرمؤمنان می‌خواهند محبوب‌هایی همتای خدا بیابند، اما محبت جبهه ایمانی به خدا از محبت سایرین به معبودهای شان بیشتر و شدیدتر است، و این شدت در زمانی ظاهر می‌شود که بین حبّ نفس و ذات و حبّ معبود تعارض بشود، پرستنده غیر خدا در چنین وقتی معبود را فدای نفس می‌کند و برای غرق نشدن حاضر است بتش را زیر پا بگذارد تا مقداری از سطح آب بالاتر قرار بگیرد و بتواند نفس بکشد، اما مؤمن حقیقی، جان و مال و آبرو را در راه معبود فدا می‌کند تا رضای او را به دست آورد، و هر جا محبت خدا اقتضای فداکاری و ایثار داشته باشد، نیاز برادر ایمانی و خواسته او را بر خواهش خود مقدم داشته و بخشش‌ها و ایثارها، متبلور خواهد شد (بقره: ۱۷۷؛ انسان: ۸) چیزی که در قاموس جبهه کفر معنایی ندارد.

محبت خدا در صورتی که عمیق باشد و رنگ عشق به خود گیرد، اکسیری است که مس وجود انسان را طلا می‌کند، انسان به گونه‌ای می‌شود که حتی سود و زیان آخرت را هم نمی‌بیند و فقط خدا را می‌نگرد و رضایت او را حتی اگر جهنمی و بهشتی هم در کار نباشد باز خدا را می‌پرستد و ستایش می‌کند (حلی، ۱۴۰۵: ق: ۱۳۸) و هرچه به خدا مربوط باشد را هم دوست دارد و با آن پیوند می‌خورد؛ بر همین اساس محور حبّ الله، اصلی‌ترین محور پیوند دینی است و سایر محورها از آن انشعاب می‌گیرند، و افرادی با سطح ایمان بالا و طی کردن مراحل سلوک اخلاقی و گذشتن از مظاهر دنیا و محبت نفس و... به این درجه خواهند رسید.

قرآن و دستورات آن نیز عامل تقویت پیوند دینی است، خداوند در قرآن به کسانی که محبت‌های غیرخدایی را ترجیح می‌دهند هشدار می‌دهد؛ و ایشان را فاسق می‌خواند (توبه: ۲۴) و به پیوند دینی بر گرد ریسمان الهی فرمان می‌دهد، و دوستی و محبت ایمانی را نعمتی الهی می‌شمارد که یادآوری آن هدایت بخش است (آل عمران: ۱۰۳).

و به مؤمنان هشدار می‌دهد که با دشمنان خدا پیوندی نداشته باشند حتی اگر بین‌شان پیوند خونی برقرار باشد (توبه: ۲۳).

و به ایشان عملکرد نیک مؤمنان صدر اسلام (انصار) را یادآور می‌شود که مهاجران را با محبت و آغوش باز پذیرا شدند و با وجود نیازمندی، آن‌ها را بر خود ترجیح دادند و این به خاطر محبت خدا و حب اولیای خدا بود (حشر: ۹).

معصومین علیهم‌السلام نیز یک عامل قوی برای پیوند دینی هستند، زیرا محبت خدا با ادعا راهش جداست، محبت خدا نشانه دارد و آن تبعیت است، پیروی از پیامبر و امام که رهبر جریان حقند (آل عمران: ۳۱) و پیروی رهبری جبهه حق، جمع ایمانی را منسجم‌تر کرده و قدرتمند می‌کند، اهل حق با الگو گرفتن از رهبر دینی و محور قرار دادن او روابط خود را تنظیم کرده و حب و بغض‌ها را جهت می‌دهند و این موجب پیوند مستحکم در جبهه حق شده و جمع دینی را قدرتمند می‌کند؛ در روایات نیز بر چنین پیوندی تأکید شده و آن را مایه حیات جامعه ایمانی می‌شمارد.

عبدالؤمن می‌گوید خدمت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام رسیدم و محمد بن عبدالله جعفری نزد ایشان بود من نیز با تبسم به او نگاه کردم، امام پرسید: آیا او را دوست داری؟ عرض کردم بله، و این محبت من به او تنها به خاطر شمامست، حضرت فرمودند او برادر توست و مؤمنان با هم برادر از یک پدر و مادر هستند، گر چه از جهت نسب و ولادت این‌گونه نباشد (حلوانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۸ق: ۱۲۴-۱۲۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۷؛ دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق: ۱۲۵ و ۳۰۵).

معصومین علیهم‌السلام بر این پیوند تا آن جا تأکید دارند که حتی اگر دو نفر شیعه با هم پدرکشتگی هم داشته باشند باید چنین محبت و پیوندی را بین خود برقرار کنند و اگر این سنخیت ایمانی وجود نداشته باشد و محبت اهل بیت علیهم‌السلام وجود نداشته باشد بایستی کنار زده شوند گر چه برادر و یا پدر انسان باشد.

امام حسن عسکری علیه‌السلام از پدران گرامیش علیهم‌السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روزی به برخی از اصحاب فرمود: ای بنده خدا حب و بغض و دوستی و دشمنیت را در راه خدا و برای او قرار بده، و کسی که این‌گونه نباشد به ولایت خدا دست نخواهد یافت و مزه ایمان را نخواهد چشید هر چند نماز و روزه زیادی انجام دهد، برادری مردم امروزه بیشتر بر اساس دنیاست، برای دنیا با هم محبت دارند و برای دنیا دشمنی می‌کنند، و چنین عملکردی ارزشی نزد خدا ندارد، آن شخص پرسید: چگونه بدانم که دوستی و دشمنیم رنگ خدایی دارد؟ و چطور بفهمم دوست خدا کیست تا با او دوستی کنم و دشمنش کجاست تا او را دشمن بگیرم؟ پیامبر به امیر

المؤمنین اشاره کرده و فرمود: آیا این را می‌بینی؟ عرض کرد: بله؛ فرمود: دوست این شخص ولی داست پس با او دوستی کن و دشمن این دشمن خداست پس با او دشمن باش؛ پیرو او را دوست داشته باش هرچند قاتل پدر و فرزندان باشد و با دشمن او دشمنی کن هرچند پدر و فرزندان باشد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۹۱).

برای تبدیل شدن یاران جبهه حق به قدرت، پیوند بین ایشان ضرورت دارد، و این پیوند دارای آسیب‌های درون گروهی و برون گروهی است، که بررسی آنها و ارائه راهکار اخلاقی برای آن ضروری می‌نماید.

انواع آسیب‌ها در پیوند نیروها و درمان اخلاقی

آسیب‌هایی که یک پیوند نو پا را تهدید می‌کند بر دو قسم است زیرا این مشکلات یا در درون جمع شکل گرفته و ضربه می‌زند و یا این پیوند از درون مشکلی نداشته و جمع دینی انسجام یافته ولی تهدیدهایی بیرونی برای آن وجود دارد.

الف) آسیب‌های درون گروهی و درمان اخلاقی

منظور از آسیب‌های درون گروهی، آفاتی است که در درون یک گروه، شکل گرفته و یک جمع متشکل را تهدید می‌کند و انسجام جمعی را به خطر می‌اندازد، این آسیب‌ها گرچه ریشه در مشکلات اخلاقی و هواها و هوس‌ها دارد اما رفتاری که از منشأ این مشکلات سرچشمه می‌گیرد به گونه‌ای است که پیوند میان جمع و گروه را تهدید می‌کند.

۱. توائل و بار را بردوش دیگران انداختن به جای قبول مسئولیت و تکافل

تواکل در لغت از ریشه وکل به معنای اعتماد بر غیر در کارها (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۱۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۸۸۲؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۱۸۴۴؛ فیومی، بی‌تا: ج ۲، ۶۷۰) به معنای فرا فکنی مسئولیت ناپذیری و حواله دادن کارها به همدیگر است، طبق گفته اهل لغت: «واکل فلان» زمانی گفته می‌شود که شخص، کاری که بر عهده‌اش است را به اعتماد بر دیگری ضایع گرداند و «تواکل القوم» نیز زمانی است که هر کدام کار را بردوش دیگری قرار دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۸۸۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۱۳۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴ش: ج ۵، ۲۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۱۱، ۷۳۵؛ طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ۵۴۸).

این یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها در جمعی است که قرار است رسالت مهمی را پیش برده و هر

کدام عهده‌دار بخشی از آن بشوند، این آفت ریشه در ضعف و سستی، تسویف،^۱ تنبلی و نفاق درونی دارد، و برای درمان آن بایستی عوامل آن را شناخت و آنها را درمان کرد. ضعف و سستی، تسویف و تنبلی را می‌توان با تربیت نیروها به وسیله انگیزش درونی و یادآوری اهمیت مقصد، و ترغیب و تشویق و تأکید بر محورهای پیوند، از بین برد، زیرا جمع دینی وقتی شکل گرفت، و برادری محقق شد، تعهدآور است، هم برای رسیدن به اهداف باید تلاش خستگی‌ناپذیر داشته باشند و هم برای حفظ همدیگر در این جمع، باید تکافل و عهده‌داری کنند و بار همدیگر را به دوش بکشند، و گوشه‌ای از کار را بگیرند و از تواکل بپرهیزند.

شاید روایتی که همگان را مسئول می‌شناسد (دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۱۸۴؛ ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۸ش: ج ۱، ۱۴)^۲ برای درمان این آسیب جمع دینی صادر شده باشد. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای از این آسیب در جمع یارانش خبر می‌دهد و می‌فرماید: به شما سفارش کردم با دشمن قبل از این که با شما درگیر شود بجنگید پس به خدا قسم هیچ قومی در آستانه درب منازلشان نجنبیدند مگر این که به خواری افتادند، و شما سفارش مرا نادیده گرفتید و کار را به همدیگر واگذار کردید و سستی نمودید تا بر شما هجوم آورده، بر شما چیره شدند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۵؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۶۹، ثقفی، بی‌تا: ج ۱، ۳۱۸-۳۱۹). و اما نفاق درونی که یکی از ریشه‌های تواکل است، در مراحل اولیه با تقویت باور و اعتقاد قابل درمان است اما درمان نفاق در برخی لایه‌ها بسیار دشوار و نزدیک به ناممکن است.

۲. بی‌توجهی به اهمیت برادری به جای خیرخواهی، رضا و ایثار

یکی از آسیب‌های پیوند یاران، از یاد بردن برادری ایمانی و در پی آن ظلم و فریب هم‌دیگر است، این عملکرد بسیار آسیب‌زاست، زیرا اساس همکاری و همگرایی بین یاران، پیمان برادری و اعتماد به همدیگر و حسن ظن است و ظلم و فریب برادران این اساس را ویران می‌کند و شاید به همین دلیل امام موسی بن جعفر علیه السلام به عبدالمؤمن می‌فرماید: ... ملعون کسی است که برادرش را متهم کند ملعون کسی است که برادرش را فریب دهد، ملعون کسی است که خیر خواه برادر دینی‌اش نباشد... (حلوانی، حسین بن محمد،

^۱ . سوف سوف گفتن و کار امروز را به فردا انداختن.

^۲ . كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.

۱۴۰۸ق: ۱۲۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ۲۳۱).

و امام صادق علیه السلام در آیین برادری بین مؤمنان می‌فرماید:

همانا مؤمن برادر مؤمن است چشم و راهنمای اوست، به او خیانت نمی‌کند، ظلم نمی‌کند، او را فریب نمی‌دهد، و به او وعده نمی‌دهد تا بعد خلف وعده کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۶۶-۱۶۷).

همچنین به عبدالله بن جندب وصیت می‌فرماید که:

... و کسی که برادرش را فریب دهد و او را تحقیر کند و با او دشمنی کند، خداوند مسکن او را در آتش قرار می‌دهد و کسی که به مؤمنی حسادت ورزد ایمان در قلبش مانند نمک در آب ذوب می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۰۳).

عبدالله بن عباس می‌گوید پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه خود در مدینه فرمودند:

کسی که برادر مسلمانش را فریب دهد و کلاهبرداری کند، خداوند برکت روزیش را بر می‌دارد و زندگی را بر او فاسد گرداند و او را به خودش وا می‌گذارد (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۸۶).

ظلم به برادران دینی و فریب آنها ریشه در دنیا طلبی و زیاده خواهی دارد، و این آفت با انگیزش درونی و تقویت باور به رزاقیت خداوند، رضایت به تقسیم ارزاق و یادآوری آثار و فوائد رضا، ایثار و قناعت قابل درمان است، شخصی که به رزاقیت خداوند باور دارد، وقتی برای معیشت تلاش کرد اما به نتیجه مورد انتظار نرسید، نه تنها به قسمت الهی راضی می‌شود و قناعت می‌کند بلکه از همین رزق اندک، ایثار کرده و دیگران را بر خود مقدم می‌دارد، و در مقابل کسی که چنین باوری ندارد به جای رضا، قناعت و ایثار، سعی در زیاده طلبی و فریب دیگران کرده و با کلاهبرداری، اعتماد عمومی را خدشه دار می‌کند و پیوند بین نیروها را از بین می‌برد.

همچنین اگر نعمت را از جانب خداوند بدانند، و باور به برادری ایمانی و اهمیت پیوند برمدار حب الله و قرآن و اهل بیت علیهم السلام باور داشته باشد، نه تنها نسبت به سایرین حسادتی نخواهد داشت، بلکه از متنعم شدن برادرانش خوشحال خواهد شد.

۳. تضعیف، تحقیر و تمسخر درون گروهی به جای تکمیل و تقویت

یکی از آسیب‌های جمع منتظر، تحقیر و تمسخر است، این آفت به دو صورت امکان تحقق دارد، یا نسبت به جمع بروز پیدا می‌کند یعنی جمع شکل گرفته مورد تحقیر و تمسخر قرار گرفته

و در نتیجه، تضعیف می‌شود و یا نسبت به افراد در جمع این جفا صورت می‌گیرد، و هرکدام از این دو جنس آفت ریشه‌ها و درمان‌هایی مجزاً دارند.

ریشه تحقیر و تمسخر و تضعیف جمع، عدم توجه به سختی کار، نشناختن رسالت و وظیفه خود، و نداشتن آگاهی از تاریخ مقابله حق و باطل است، و عامل تمسخر و تحقیر فرد نیز، ظاهر بینی، فخر فروشی، خودبزرگ بینی و در یک کلمه هوای نفس و تکبر است.

درمان آفت تمسخر، تحقیر و تضعیف نسبت به جمع، توجه به نقش و رسالت خود در جمع نیروها، که تلاش و تکمیل است، همچنین باور به امداد الهی و امکان کارها و اقدامات بزرگ از گروه اندک، و یادآوری تاریخ پرفراز و نشیب رویارویی حق و باطل و تضعیف و تقویت هر کدام در برابر یکدیگر، خواهد بود.

امام صادق می‌فرماید:

همانا برای حق دولت و سلطه‌ای است و برای باطل نیز غلبه‌ای خواهد بود و هر کدام از ایشان در زمان دولت و غلبه دیگری ذلیل خواهد شد (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ق: ۲۳؛ کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۲۵۵؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۱۹).

در هنگام غلبه دولت باطل که حق در حاشیه قرار گرفته و اهل حق خوار شمرده می‌شوند، توجه به سنت الهی تداول ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۴۰) و امکان بازگشت قدرت به جبهه حق، راه را بر تحقیر و تمسخر و تضعیف می‌بندد و باور به یک آرمان در جامعه ایمانی یعنی رسیدن به دولت کریمه که مایه عزت اسلام و اهل آن و خواری نفاق و اهل آن است (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۶، ۴۷۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۱۱۱؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ۱۲۷)، نیز وظیفه و رسالت را مشخص کرده و تلاش را برای تکمیل نقص‌ها و ضعف‌ها دو چندان می‌نماید.

درمان آفت تمسخر، تحقیر نسبت به فرد نیز، دوری از هوای نفس و تواضع و فروتنی در برابر برادران دینی است؛ هوای نفسی که از مهم‌ترین دشمنان انسان است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: بدترین دشمنان تو هوای نفس توست (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۸ش: ج ۱، ۶۷؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۴).

همچنین توجه به آثار زیان‌بار تکبر، و یادآوری نقش تک تک نیروها در شکل‌گیری جریان حق، از این آسیب‌پیشگیری خواهد کرد.

چه بسیاری از اولیای الهی که به خاطر تواضع و فروتنی ظاهری ساده دارند و از روی ظاهر

قابل شناسایی نیستند، ولی نقش مهمی در جمع نیروها، و در پیروزی حق دارند. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

خداوند چهار چیز را در چهار چیز مخفی کرده است... و ولی خود را در بین بندگان پنهان کرده پس هیچ بنده‌ای از عباد الله را کوچک نشمارید چه بسا ولی خدا باشد و تو آگاه نباشی (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ۲۰۹-۲۱۰؛ همو، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۹۷).

۴. عدم تحمل همدیگر به جای سعه صدر

هر جمعی از گروه‌هایی افراد تشکیل می‌شود افرادی با سلیق و علائق متفاوت و مشترک، هر چه تفاوت‌ها و تضادها کمتر شده و اشتراکات فزونی یابد پیوند این جمع مستحکم‌تر خواهد شد، جمع منتظران نیز از این قاعده مستثنا نیست یکی از آسیب‌های پیوند جمع منتظران، دلتنگی و تحمل نکردن همین تضادها و تفاوت‌هاست، بسیاری از افراد تحمل کوچک‌ترین حرف مخالفی را نداشته و کم‌ترین اختلاف سلیقه‌ای را بر نمی‌تابند.

پیامبر ﷺ در سفارش اخلاقی به ابو امیه تمیمی می‌فرماید: به مردم محبت کن تا تو را دوست بدارند، و با برادرت با چهره گشاده برخورد کن و دلتنگ مباش زیرا دل‌تنگی تو را از آخرت و دنیا باز می‌دارد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۲) دلتنگی و نداشتن سعه صدر، عقب ماندگی و محرومیت می‌آورد و انسان را از حضور در جمع باز می‌دارد.

ریشه این آسیب در حوزه نظری و فکری به تکبر، خودرأیی، و جهل و در حوزه عمل به کم‌صبری و کم‌طاقتی برمی‌گردد.

درمان این آفت نیز، توجه به اهمیت پیوند و در نظر داشتن آرمان موعود، و بالا بردن تحمل و سعه صدر است. و این که بدانند در هر جمعی، اختلاف سلیقه و گرایش، وجود دارد و اگر نخواهد این موارد را تحمل کند خودش را از حضور در جمع و برکات آن محروم نموده است، و از هدف و آرمانش دو شده است، هدف و آرمانی که سعه صدر و تحمل این مقدار برای رسیدن به آن، چیز زیادی نیست.

ب) آسیب‌های بیرون‌گروهی

منظور از آسیب‌های بیرونی، مشکلاتی است که از بیرون جمع ایمانی هدایت شده و درون آن نفوذ کرده و پیوند آنها را تهدید می‌نماید.

خطرات بسیاری از بیرون، جمع ایمانی را تهدید می‌کند و پیوند نیروها را به مخاطره می‌افکند، زیرا شیطان به عنوان رهبر جبهه باطل و دشمنان راه حق، آرام ننشسته و برای

پراکنده کردن جمع منتظران تلاش می‌کنند، و جبهه باطل در این راه چنان با هم هماهنگ و یکپارچه هستند؛ که امام علی علیه السلام آرزو می‌کند کاش می‌توانست ده نفر از یارانش را با یک نفر از یاران معاویه معاوضه کند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۱۴۲).

۱. برنامه ابلیس برای پراکنده‌سازی جبهه حق و راه درمان

گرچه شیطان قهرمان آسیب‌های درون گروهی نیز هست، اما می‌توان به آن به عنوان یک آفت مستقل نیز توجه کرد، خداوند نیز ورای تمام توصیه‌های اخلاقی در قرآن، باز به شیطان نگاه مستقل داشته و او را دشمن آشکار می‌خواند (بقره: ۱۶۸؛ انعام: ۱۴۲؛ اعراف: ۲۲؛ یوسف: ۵؛ اسراء: ۵۳؛ قصص: ۱۵؛ یس: ۶۰؛ زخرف: ۶۲) و فرموده شیطان دشمن شماسست پس او را به عنوان دشمن به حساب بیاورید (فاطر: ۶).

البته شیطان به عنوان سردمدار جبهه باطل، برای جبهه حق برنامه دارد، و در تلاش است که رابطه ایمانی را دچار خلل کند، و در این برنامه پیوند بین مؤمنان را هدف می‌گیرد و در کارش هم استمرار دارد تا به هدفش برسد، و این تلاش بی‌وقفه شیطان، از اهمیت پیوند بین نیروهای جبهه حق، پرده برمی‌دارد.

زراره در روایت صحیح از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

همانا شیطان بین مؤمنان را شکر آب کرده و رابطه را خراب می‌کند، و تا آن جا پیش می‌رود که یکی از آنها از دین برگردد، وقتی به این مرحله رسید از خوشحالی به پشت می‌خوابد و خود را کش و قوس داده و می‌گوید: موفق شدم و رها شدم، پس خدا رحمت کند کسی را که بین دو دوست ما اصلاح کرده و آنها را به هم نزدیک گرداند، ای گروه مؤمنان با هم مهربانی کرده و انس بگیرید (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۴۵).

برای درمان اخلاقی این آفت، و ایمنی از مکر شیطان، علاوه بر توجه به هشدار مکرر خداوند به این خطر، (آل عمران: ۱۷۵؛ مائده: ۹۰؛ اعراف: ۲۷؛ نور: ۲۱؛ فرقان: ۲۹)، و یادآوری این که شیطان در پی برهم زدن پیوند یاران جبهه حق است (اسراء: ۵۳)، تذکر (اعراف: ۲۰۱) همچنین پناه بردن بر خدا (اعراف: ۲۰۰؛ نحل: ۹۸؛ فصلت: ۳۶؛ آل عمران: ۳۶) و توکل بر او (مجادله: ۱۰)، نباید در برابر مکر شیطان احساس ضعف کرد زیرا مکر شیطان در برابر قدرت ایمان و صلابت عقیده، ضعیف است (نساء: ۷۶) و بایستی انس و الفت بین مؤمنان را در جامعه ایمانی، به قدری پررنگ کرد که شیطان فرصت دو به هم زنی و ایجاد اختلاف پیدا نکند؛ و این مهم با تمرکز بر محورهای پیوند و تقویت انگیزه‌های پیوند قابل انجام است.

۲. جریان نفوذ در قالب نفاق

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های پیوند نیروهای منتظر، جریان نفوذ در قالب نفاق است، جریان نفاق گرچه از فرد شروع شده و او را از صف مؤمنان جدا می‌سازد اما در برخی موارد نیز از بیرون هدایت شده و آسیبی بیرونی شمرده می‌شود.

آیات و روایت بسیاری به این خطر اشاره کرده است، خداوند در قرآن رفتار دو چهره منافقان را در رویارویی با مؤمنان و کفار ترسیم فرموده و از دسیسه آنها برای نفوذ در جمع ایمانی پرده برمی‌دارد و کفار را شیاطین همراز با منافقان معرفی می‌فرماید (بقره: ۱۴) در جای دیگری، منافقان را حزب شیطان معرفی می‌کند، زیرا با پیروی از شیطان و مغلوب شدن در برابر او یاد خدا را فراموش کرده و در برابر راه خدا و جبهه حق فعالیت می‌کنند (مجادله: ۱۹).

امام علی علیه السلام پس از هشدار جامعه ایمانی نسبت به خطر اهل نفاق در توصیف دسیسه‌های آنها می‌فرماید:

آنها گمراه شده گمراه کننده هستند، هم خود لغزیده‌اند و هم دیگران را می‌لغزانند؛
به رنگ‌های مختلف در می‌آیند و فتنه‌گری‌ها می‌کنند، و برای این که شما را گمراه کنند به هر وسیله چنگ می‌زنند و در هر جا به کمین می‌نشینند؛

دل‌های‌شان بیمار است، بیماری درمان‌ناپذیر، ولی ظاهری آراسته و پاکیزه دارند؛
در خفا این سو و آن سو روند و چون خزندگان درون جنگل‌ها، نرم و پوشیده راه می‌سپزند؛
در سخن و زبان دارو و شفای دیگران خواهند، ولی در عمل دردی درمان‌ناپذیر ایجاد می‌کنند؛

به راحتی دیگران حسادت کنند، بلاها را در جان‌تان بنشانند و امیدهای‌تان را به ناامیدی بدل کنند؛

در هر راهی، کسانی را فدای خود کرده، و به خاک هلاک افکنده‌اند؛
ایشان را نزد هر دلی شفاعت‌گری است. بر هر غمی سرشک‌ها افشانده‌اند؛
مدح و ثنا به یکدیگر وام دهند و منتظر پاداشش باشند؛

اگر چیزی را خواهند، به اصرار خواهند و اگر مورد ملامت قرار گیرند، پرده در می‌کنند و اگر داوری کنند به اسراف گرانند؛

برای هر حقی باطلی و برای هر راستی، کژی. و برای هر زنده‌ای، کشته‌ای و برای هر دری کلیدی و برای هر شبی، چراغی مهیا کرده‌اند؛

نومیدنمایی را وسیله آزمندی خود سازند تا بازار خود گرم سازند و کالای خود به بهای بیشتر بفروشند.

سخن باطل می‌گویند و حق جلوه می‌دهند تا دیگران را به اشتباه افکنند؛ اگر توصیف می‌کنند، تزویر می‌کنند، طریق باطل را آماده و آسان جلوه دهند و گذرگاه‌های تنگ آن را پریپیچ و خم سازند تا رونده در آن سرگشته بماند؛ گروه شیطانانند و زبانه‌های آتش. آنان حزب شیطانند و بدانید که حزب شیطان زیانکارانند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۳۰۷)^۱

برای در امان نگه داشتن پیوند یاران، از این آسیب مهم، یادآوری خطر نفاق و جریان نفوذ، و تأکید بر محورهای سه‌گانه پیوند از درون، و رصد جریان نفوذ و نفاق و مقابله فعال با آن از بیرون راهگشا خواهد بود.

۳. دشمنان، توطئه‌ها و تهدیدها (شیاطین انسی)

رهبران و سردمداران جریان باطل، یکی از آسیب‌های بیرونی برای راه حق هستند، اینها تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرند تا جریان حق را از حرکت بازدارند و جمع متشکل نیروهای حق مدار را از هم بپاشند، ابتدا با کمک گرفتن و سوار شدن بر مشکلات درونی مانند: جهل، ضعف، هوای نفس و... و با ابزاری مانند: شبهات، تردیدها، تهاجم فرهنگی و... تشکّل نیروهای حق را از بین می‌برند و اگر در این هدف توفیقی نیافتند با تهدید، ارباب، تحریم و جنگ روانی، کار را ادامه داده و در مرحله سوم با هجوم نظامی و قتل و ترور، نیروهای جبهه حق را حذف می‌کنند و به فرموده قرآن در این امر، هم‌دیگر را یاری داده و به هم کمک فکری می‌کنند (انعام: ۱۱۲).

درمان آسیب دشمنان نیز بر اساس مراحل سه‌گانه هجوم متفاوت است؛ در مرحله اول،

^۱ . أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَعَدِّكُمْ أَهْلَ النِّفَاقِ فَإِنَّهُمْ الصَّالُونَ الْمُضِلُّونَ وَالزَّالُونَ الْمُرْتَلُونَ يَتَلَوْنُونَ أَلْوَانًا وَ يَفْتَنُونَ أَفْتِنَانًا وَ يَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ وَ يَرْضُدُّونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ فَلَوْبُهُمْ دَوْبَةٌ وَ صَفَاخُهُمْ نَقِيَّةٌ يَمْشُونَ الْخَفَاءَ وَ يَدْبُونَ الصِّرَاءَ وَ ضَفُّهُمْ دَوَاءٌ وَ قَوْلُهُمْ شِفَاءٌ وَ فَعْلُهُمْ الدَّاءُ الْعِبَاءُ حَسَدَةُ الرَّخَاءِ وَ مُؤَكِّدُوا الْبَلَاءَ وَ مُفَنِّطُوا الرَّجَاءَ لَهُمْ بِكُلِّ طَرِيقٍ صَرِيعٌ وَ إِلَى كُلِّ قَلْبٍ شَفِيعٌ وَ لِكُلِّ شَجْوٍ دُمُوعٌ يَتَفَارِضُونَ النَّعَاءَ وَ يَتَرَاقِبُونَ الْجَزَاءَ إِنْ سَأَلُوا الْخَفْوَا وَ إِنْ عَدَلُوا كَشَفُوا ص: ۳۰۸ وَ إِنْ حَكَمُوا أَسْرَفُوا - ۱۶۴ قَدْ أَعَدُّوا لِكُلِّ حَقٍّ بَاطِلًا وَ لِكُلِّ قَائِمٍ مَائِلًا وَ لِكُلِّ حَقٍّ قَائِلًا وَ لِكُلِّ بَابٍ مِفْتَاحًا وَ لِكُلِّ لَيْلٍ مِضْبَاحًا يَتَوَضَّلُونَ إِلَيْهِ الطَّلَعُ بِالْبِئَاسِ لِيُقِيمُوا بِهِ أَسْوَاقَهُمْ وَ يُنْفِقُوا بِهِ أَعْلَاقَهُمْ يَقُولُونَ قُبْسِبُهُونَ وَ يَصْفُونَ فَيَمُوهُونَ قَدْ هَوَّنُوا الطَّرِيقَ وَ أَضَلُّوا الْمَضِيقَ فَهُمْ لَمَّةُ الشَّيْطَانِ وَ حَمَّةُ النَّيْرَانِ - أَوْلَيْكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ إِلَّا إِنْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ هُمْ الْخَاسِرُونَ

بایستی زمینه‌های آسیب مانند: جهل، ضعف، هوای نفس و شهوات را بی‌اثر و متعادل کرد، و به وسیله مقابله فعال با شبهات، تردیدها، و تهاجم فرهنگی، نیروها را از تفرقه و تلاشی رها کنید، و در مرحله دوم با ایجاد آمادگی ذهنی و نظامی، در برابر تهدیدها ایستاد و در مرحله سوم نیز با تذکر مقام مجاهد و شهید به نیروها روحیه داد.

نتیجه‌گیری

پیوند بین نیروهای حق و زمینه‌سازان حکومت الهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تلاش شیطان و جبهه باطل برای از بین بردن این پیوند گویای این اهمیت است، این پیوند بر محور حب الله، به عنوان خالق هستی، قرآن به مثابه کتاب زندگی و معصومین علیهم‌السلام به عنوان اولیای الهی، شکل می‌گیرد؛ آسیب‌های درونی این پیوند مهم: توکل و بار را بردوش دیگران انداختن، ظلم و فریب برادران و حسادت، تضعیف، تحقیر و تمسخر و دلتنگی و عدم تحمل همدیگر است و آسیب‌های بیرونی این پیوند نیز شیطان، منافقان و جریان نفوذ، و کفار هستند، و هرکدام از این آسیب‌ها، چاره‌جویی و درمان اخلاقی دارند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر (۱۳۶۴ ش)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، تحقیق: محمود محمد الطناحی، قم: إسماعیلیان، چهارم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، *عیون أخبار الرضا علیه‌السلام*، تهران: نشر جهان، اول.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۳۸ ش)، *معانی الأخبار*، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، اول.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران: اسلامیه، دوم.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۲ ق)، *مصادقة الإخوان*، الکاظمیه: مکتبة الإمام صاحب‌الزمان العامة، اول.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دارالشریف‌الرضی، دوم.

۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۱۰. ابن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی جا: مكتبة الإعلام الإسلامي.
۱۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *عدة الداعي ونجاح الساعي*، بی جا: دارالکتب الإسلامي، اول.
۱۲. ابن منظور (۱۴۰۵ق)، *لسان العرب*، قم: نشر أدب الحوزة.
۱۳. اصفهانی، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم ﷺ*، قم: مؤسسة الإمام المهدي ﷺ، پنجم.
۱۴. ثقفی، إبراهيم بن محمد (بی تا)، *الغارات*، تحقیق: سید جلال الدین حسینی أرموی المحدث، بی جا: نشر بهمن.
۱۵. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۵ق)، *أعلام الهداية*، قم: المجمع العالمي لاهل البيت ﷺ، دوم.
۱۶. جوهری (۱۴۰۷ق)، *الصحاح*، تحقیق: أحمد عبدالغفور العطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چهارم.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، اول.
۱۸. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ق)، *نزهة الناظر وتنبیه الخاطر*، قم: مدرسة الإمام المهدي ﷺ، اول.
۱۹. حلی، علامه (۱۴۰۵ق)، *كتاب الألفین*، کویت: مكتبة الألفین.
۲۰. خصیعی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهداية الكبرى*، بیروت: البلاغ.
۲۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، اول.
۲۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)*، قم: الشریف الرضی، اول.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بی جا: دفتر نشر الكتاب، دوم.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۷ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان

- داوودی، قم: طلیعة النور، دوم.
۲۵. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة (للصباحی صالح)*، تحقیق: فیض الإسلام، قم: هجرت، اول.
۲۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲ش)، *مجمع البحرين*، تهران: طراوت، دوم.
۲۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، *مجمع البحرين*، تحقیق: السيد أحمد الحسینی، بی جا: النشر الثقافة الإسلامية، دوم.
۲۸. فیروزآبادی (بی تا)، *القاموس المحيط*، تجميع: نصر الهورینی، بی جا: بی نا.
۲۹. فیومی، أحمد بن محمد المقرئ (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، بی جا: دارالفکر.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الكافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۳۱. المالکی الاثتري، ورام بن أبی فراس (۱۳۶۸ش)، *تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة ورام)*، تهران: دارالکتب الإسلامية، اول.
۳۲. مصطفوی، حسن (۱۴۱۷ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.

